

یادداشت محمدصادق عبداللہی

«سایه»ای که همه لطافت بود

راستش را بگویم من تا سه سال پیش «سایه» را جز با همین شعرهای اینستاگرامی مثل «نشستم‌ه به در نگاه می‌کنم» و مختصری از زندگی سیاسی‌اش نمی‌شناختم و آنطور که شاید و باید قدران هنرش نبودم، اما خوشحالم که وقتی سردبیر روزنامه جوان تشویقم کرد شعر بخوانم و گفت تا شعر نخوانی روزنامه‌نگار خوبی نمی‌شوی، سراغش رفتم. دو کتابش را گرفتم؛ «بانگ نی» و «تاسیان». بعدتر دیدم استاد محمدرضا شعبی‌کندی هم گلچینی از آثار جناب هوشنگ ابتهاج را در کتابی با نام «آینه در آینه» گرد آورده‌اند؛ در مقدمه نوشته بودند که ایسن کتاب حاصل گردنشی یک‌کشی‌به و البته حداقل ۳۵ ساله است که طی یک شب‌نشینی بهاری با سایه به تاریخ ۱۳۶۹ در شهر کلن آلمان پدید آمده است. بحتمل از آن شب‌نشینی‌هایی بوده که ممکن است برای ما آدم معمولی‌ها در طول عمر یک بار پیش بیاید اما شیرینی‌اش سال‌ها می‌ماند. خلاصه «آینه در آینه»، را هم گرفتم و همان شعر نستختی، یعنی «گل‌های یاس» با ابیات پایانی‌اش محسورم کرد. آنجا که سروده بود:

به شگفت آمدم که این همه بوی

ز گلِ این چنین، عجب باشد!

حیرتم زد که از این گل چیست؟

که چنینم از آن طرب باشد!..

آه، دانستم، - ای شکوفه نازا-!

راز این بوی مستی آمیزت:

کاندر آن رشته، بود پیچیده

تاری از گیسوی دلاویزتا..

نمی‌دانم چگونه باید به شکل تخصصی از شعر سایه سخن گفت، اما برای من عوام در شعر، سروده‌های سایه لطافت داشت. احساس داشت. می‌فهمیدم و وجود سرشار از حس لذت‌بخش شعر می‌شد. به نگاهم واژه‌ها را چنان در کنار هم می‌رقصاند که دلت غنج می‌زد تا بابت بعدی را هم بخوانی و دوست نداشتی هیچگاه به پایان برسد.

قصه سایه خیلی زود سایه‌ای شد بر سر لطافت وجودم. حالا او آسمانی شده و به قول یلدا خانم، دخترشان، سایه ما با هفت هزار سالگان سربه‌سر شد. روحش شاد. امیدوارم حداقل نسل بعد از من ذخایر فرهنگی‌اش را زودتر بشناسد و آنها را ارج بھستی کند.

راستی! خاطرم هست که او با همه غمگمش دربارہ استاد شجریان و قطعه «مفلسانیم و هوای می و مطرب داریم»، گفته بود: «هر فکر می‌کنم اگر حافظ بود، با می‌شد و شجریان را غرق بوسه می‌کرد.»

دیدهبان هادی عسگری



بررسی تسهیل ورود گردشگران عراقی به کشور

اقدام جهت تسهیل ورود گردشگران عراقی به ایران از میز تخصصی گردشگری ایران و عراق در وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی بررسی مصوبات اجرایی مربوطه در دستور کار قرار گرفت.
میز تخصصی گردشگری ایران و عراق با هدف بررسی مسائل و رفع موانع و محدودیت‌های موجود در راستای توسعه مناسبات گردشگری و افزایش گردشگران ورودی عراق به جمهوری اسلامی ایران با مدیریت دفتر بازاریابی و توسعه گردشگری خارجی در محل معاونت گردشگری وزارت میراث فرهنگی برگزار شد.
در این نشست که با مشارکت نهادهای فرابخشی و تأثیرگذار در روادید گردشگران وجمله وزارت امورخارجه، سازمان راهداری و حمل و نقل، سازمان بندار و دریانوردی و همچنین نمایندگان معاونت گردشگری و کانون جهانگردی و اتومبیلرانی برگزار شد، موانع و مشکلات در بحث ورود گردشگران عراقی به کشورمان احصا شد و مورد بررسی قرار گرفت. موضوعاتی از جمله تسهیل حمل و نقل گردشگران عراقی با ایجاد خطوط مسافرتی زمینی منظم و نیز شکل گیری خطوط حمل و نقل دریایی از جمله موارد مطرح شده در این نشست بوده‌است.

رویداد



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگیصبح ایران
صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیرمسئول: محمدجواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صدیقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
تلفظ میرزای شیرازی، پلاک ۲۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۸
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸.
نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۴۹۸۴۷۶
چاپ: همشهری
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۵۴۸ | پنج شنبه ۲۰ مرداد ۱۴۰۱ | ۴۱۳ محرم ۱۴۴۴ | اذان ظهر: ۱۳:۱۰ | غروب آفتاب: ۱۹:۵۹ | اذان مغرب: ۲۰:۲۷ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰:۲۲ | اذان صبح فردا: ۰۴:۰۴ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۲۱

گفت‌وگوی «جوان» با کارگردان مستند «جان»

جان تازه‌ای که شهید حججی به جامعه داد موضوع مستند «جان» است



محمدصادق عابدینی

هر کس که خداوند را دوست داشته باشد، خداوند او را برای دیگران دوست‌داشته‌ستی می‌کند، مانند حاج قاسم سلیمانی و شهید محسن حججی که شهداوشان را عالم وحدت ملی قرار داد و نشان داد طبقه‌بندی‌های ذهنی ما از یکدیگر چقدر از واقعیت‌ها دور است.

محمدحسین نوروزی، مستندساز جوان کشورمان که از وی مستند جذّاب «خاطرات موتورسیکلت»

درباره گروه موتورسواران جنگ‌های نامنظم شهید چمران، شناخته شدت‌تر است، در زمان ماجرای تبادل پیکر شهید محسن حججی در سوریه حضور داشته است و تصمیم می‌گیرد این واقعه را ثبت کند.وی گفت:گو‌هایی با چهره‌های فرهنگی و هنری دربارہ شهید حججی انجام می‌دهد و به این ترتیب مستند «جان» شکل می‌گیرد. نوروزی در گفت‌وگو با «جوان» درباره مستند «جان» توضیحاتی داده است.

بگذارید گسب و گفتمان را از اسم مستند شروع کنیم، «جان» اشاره به چه چیزی دارد و انتخاب آن پیشنهاد چه کسی بود؟

انتخاب اسم پیشنهاد خودم بود. «جان» چند اشاره و استعاره دارد؛ اینکه یک نفر جان داد و اینکه با جان دانش به یک جامعه حیات و جانی دوباره داد. شهید، جان جامعه است و روح جامعه را از مرگ نجات می‌دهد. البته در شعری که آقای سیار در مستند می‌خواند نیز اشاره به جان شده است.

مستند با ماجرای تبادل پیکر شهید حججی شروع می‌شود،شما به مناسبت این رویداد به سوریه رفته بودید؟

نه، من در جریان مبارزه با گروه‌های تکفیری داعش در عراق چند مستند از جمله مستند «بل» را ساخته‌بودم. برای همین به سوریه دعوت شدم تا در آنجا هم مستند بسازم. ۹۶ سال بود و من در منطقه باستانی بالمعیر بودم که خبر دادند قرار است پیکر شهید حججی و چند شهید دیگر محور مقاومت با چندین دانشی و خانواده‌هایشان عراقی با ایجاد خطوط مسافرتی زمینی منظم و نیز شکل گیری خطوط حمل و نقل دریایی از جمله موارد مطرح شده در این نشست بوده‌است.

حکمت

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

کسی که قبر والدین خود را در هر جمعه زیارت کند، گناهاش بخشیده می‌شود و از نیکوکاران نوشته‌شود.

مستدرک الوسائل، ج ۲

حرفی زده بودند. اینکه دیدن صحبت برخی از چهره‌ها درباره شهید حججی برای ما عجیب می‌شود دلیلش این است که ما به اشتباه بین خودمان یک طبقه‌بندی‌هایی ایجاد کرده‌ایم و فکر می‌کنیم یک عده با ما نیستند، در حالی که وقتی سخنانش درباره شهید حججی را می‌بینیم، متوجه می‌شویم که او هم شهامت و شهادت هموطن خود را می‌ستاید و او را دوست دارد. به عنوان یک مستندساز که سال‌هاست برای جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی کار می‌سازد، این دسته‌بندی را قبول ندارم. مسا باید با همه تفاوت‌های ظاهری و حتی فکری به نقاط اشتراک فکر کنیم. در صدر اسلام آیا میزان ایمان افراد به یک اندازه بوده؟ آیا شناخت همه افراد از خداوند و اسلام در یک سطح بوده؟ قطعاً نه، هر کس به اندازه خودش و با فکر خودش همراه شده است. اگر فقط به اختلاف‌نظرها نگاه کنیم، ده‌ها‌مت سمت همان طبقه‌بندی و مرز کشی می‌رود. در حالی که امام علی(ع) می‌فرماید: «انظر الی ما قال ولا تنظر الی ما قال».

یعنی در مستند خواستید این موضوع را ثبت کنید که در یک دوره‌ای شهادت محسن حججی و بازگشت پیکرش به ایران و مراسم تشییع پیکر آن شهید بزرگوار، یک حسن همگرایی را در ما تقویت کرده‌است؟

به عنوان یک امر تاریخی نه، ولی به عنوان یک امر اجتماعی بله! در این مستند نمی‌خواستیم ولتویزیون‌های اسلامی هم حضور داشتند. شرایط خاصی بود، اینکه واقعا تبادل انجام می‌شود، زمان آن کی خواهد بود و شرایط به چه نحوی پیش می‌رود، همه چیز نامشخص بود.

بخش اصلی مستند «جان» نه‌بعث تبادل پیکر شهید، بلکه مسئله نظرات افراد شناخته شده فرهنگی و هنری درباره شهید حججی است. یعنی چندان روی تبادل و شرایط سور به درنگ نکردید!

بله، در همان زمانی که در سوریه بودم، در رسانه‌ها اظهارات هنرمندان و شخصیت‌ها را درباره شهید حججی دیدم. خودم اهل فضای مجازی نیستم، ولی بازتاب‌های فضای مجازی را از طریق رسانه‌ها دریافت کردم. هنرمندی که صحبتی کرده بود، شاعری که شعر گفته بود یا موسیقیدانی که یک قطعه موسیقی برای شهید ساخته بود، بازتاب‌های آنها را مشاهده کردم.وقتی به ایران بازگشتم با چند نفر از هنرمندان و چهره‌ها تماس گرفتم و از آنها خواستم که جلوی دوربین مستند قرار بگیرند. برخی قبول کردند و آمدند، برخی هم نپذیرفتند. **کاملاً ناهمگون است، یعنی افرادی که شاید تصور نکنیم که با جریان فکری شهید حججی همراه باشند، در این مستند از وی و ارادتشان به او می‌گویند. دنبال نشان دادن چنین دوگانگی بودید؟!**

نه، نگاهم اصلاً روی نالیستی نبود که بخواهم با این کار نگاه‌ها را جلب کنم. از اول هم سراغ کسانی رفتم که درباره شهید حججی کاری کرده یا

رویداد

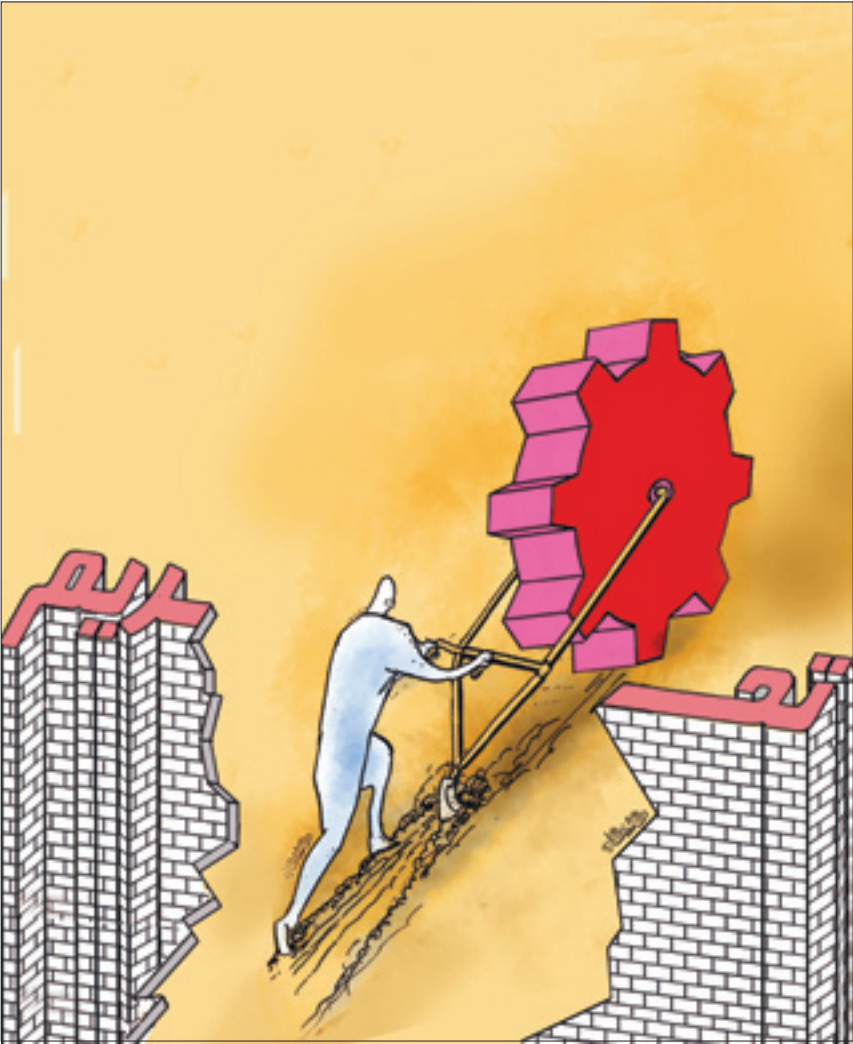
در نقد و بررسی کتاب بچه‌های فرات مطرح شد
بهترین روش برای بیان تاریخ فیلمنامه است

کتاب «بچه‌های فرات» را به عنوان یک فیلمنامه نوشتیم و اینطور نبود که به سفارش دیگران بنویسم. لیلا قربانی، نویسنده کتاب «بچه‌های فرات» با بیان این مطلب در یازدهمین نشست طعم کتاب که به نقد و بررسی این کتاب اختصاص داشت، با اشاره به اینکه این اثر را حدود هفت سال پیش تألیف کرده‌است، گفت: «بچه‌های فرات» اولین داستا من بود و قالب اصلی که من دوست داشتم با آن به داستان بپردازم، قالب فیلمنامه بود، چراکه بهترین روش برای بیان یک جریان تاریخی را در این قالب می‌بینم. به نظر من فیلمنامه می‌تواند روایت یک جریان تاریخی را جذاب کند. نویسنده کتاب «بچه‌های فرات» دلیل اصلی برای پرداختن به موضوع عاشورا را خواندن کتاب‌های تاریخی و سوره‌هایی از دل جریانات تاریخی دانست و گفت: من تاریخ را دوست دارم و تاریخ را زیاد می‌خوانم و حین خواندن کتاب سعی می‌کنم از بین حوادثی که در دل تاریخ افتاده، سوره‌یابی کنم. بر همین اساس ایده‌هایی مثل موضوع بانوان عاشورا در ذهنم به وجود آمد که تصمیم به روایت داستانی از آنها گرفتم. کتاب «بچه‌های فرات» را به‌عنوان یک فیلمنامه نوشتم و اینطور نبود که به سفارش دیگران بنویسم. حسن احمدی، منتقد و کارشناس کتاب، در ابتدا محتوای کلی کتاب «بچه‌های فرات» را کتاب دینی توصیف کرد و گفت: برای نوشتن کتاب‌های دینی سواد و جرئت تالایی لازم است و پرداختن به چنین موضوعاتی سختی‌های بسیاری دارد. در این زمینه دوستان کمتری هستند که دست به قلم شوند. من به نوبه خود عاشق نوشتن کارهای دینی و قرآنی هستم، اما نزدیک دو سال است که از نوشتن با این دست موضوعات دست کشیده‌ام، چراکه ناشران با توجه به این موضوع با نویسندگان بر‌خورد حرفه‌ای ندارند.



کند. نویسنده کتاب «بچه‌های فرات» در ابتدا محتوای کلی کتاب «بچه‌های فرات» را کتاب دینی توصیف کرد و گفت: برای نوشتن کتاب‌های دینی سواد و جرئت تالایی لازم است و پرداختن به چنین موضوعاتی سختی‌های بسیاری دارد. در این زمینه دوستان کمتری هستند که دست به قلم شوند. من به نوبه خود عاشق نوشتن کارهای دینی و قرآنی هستم، اما نزدیک دو سال است که از نوشتن با این دست موضوعات دست کشیده‌ام، چراکه ناشران با توجه به این موضوع با نویسندگان بر‌خورد حرفه‌ای ندارند.

نما حسین کشنگار



گزارش

امیر هوشنگ ابتهاج غزلسرای معاصر در گذشت

غروب «سایه»



مصطفی شاه کرمی

بامداد روز گذشته یلدا ابتهاج، دختر هوشنگ ابتهاج نوشتن متنی کوتاه در صفحه شخصی‌اش از درگذشت این شاعر خوش قریحه به علت نارسایی کلیوی خبر داد. امیر هوشنگ ابتهاج متخلص به «هـ الف. سایه» که از تیرماه امسال به دلیل نارسایی کلیوی در بیمارستانی در شهر کلن آلمان بستری و تحت درمان قرار گرفته‌بود، بامداد روز گذشته در سن ۹۵ سالگی چشم از جهان فروبست. خبر درگذشت این غزلسرای معاصر را که روایت وطن پرستی‌اش در تصنیف «ایران ای سرای امید» زبانه می‌کشد، دخترش اعلام کرد.

سایه اولین کتاب شعرش را با عنوان «نخستین نغمه‌ها» در اوان جوانی و سن ۱۹ سالگی منتشر می‌کند و بعد از آن به مرور آثار دیگری از جمله سراب، سیاه مشق، شبگیر، زمین، تا صبح شب یلدا، یادگار خون سرو، حافظ به سعی سایه (دیوان حافظ با تصحیح ابتهاج)، تاسیان (اشعار ابتهاج در قالب نو) و بانگ نی را به عرصه چاپ و نشر سپرد.

ابتهاج به غیر از فعالیت‌های شعری در حوزه موسیقی نیز با گروه «شیدا» همکاری می‌کرد که ماحصل آن آثار متنوعی بود. همچنین او از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ شمسی سرپرست برنامه «گل‌ها» در رادیو ایران و پایه‌گذار برنامه موسیقایی گلچین هفته بود. تصنیف خاطر‌هانگیز «تو ای بری کجایی» و تصنیف «ایران ای سرای امید» از اشعار سایه است که جزو پرترکزترین و خاطر‌مانگیزترین تصانیف اوست که با صدای ماندگار غلامحسین بنان و محمدرضا شجریان جاودانه شده‌اند. او بعد از کشتار مردم چهره‌ها محمدرضا لطفی، محمدرضا شجریان و حسن علیزاده، در اعتراض به این کشتار بیرحمانه مردم توسط اعمال ستمشاهی از رادیو استعفا می‌کند.

همه کسانی که سایه و اشعار و افکارش را می‌شناسند، به خوبی می‌دانند که زندگی او به دو بخش تقسیم می‌شود. یکی روزگار خفقان پهلوی که اشعار اجتماعی و مردمی و همچنین عاشقانه‌های پر سوز و گداز او یادآور آن دوران است و دیگری روزگاری است که او با سرودن شعری نیامی و مقابله باه ۱۵ نسخه دیگر بیشتر مشورتی بوده‌است می‌رود. در روزهای ابتدایی پیروزی انقلاب و بازگشت

دیدگاه

بهاءالدین خرمشاهی عنوان کرد

«حافظ به سعی سایه» همچنان حسن ختام تصحیح است



هستند، گفت: بله، فقط به شرطی تصحیح جدید جایز است که با نسخه‌های یونفاته، قدیمی‌تر باشد یا روش تصحیح از آنچه ابتهاج در مقدمه ذکر کرده، آکادمیک‌تر و علمی‌تر باشد، چون زنده‌یاد ابتهاج شاعر، شعرشناس و موسیقیدان بود، مزایا و هنرهایی داشت که او را شایسته‌ترین کرده بود برای این تصحیح دلپذیر. وی درباره شخصیت شاعری سایه نیز گفت: آقای سایه شاعر خوبی بود، یکی از کهن‌ترین دفترهایش دفتری به نام زمین بود. خرمشاهی تصریح کرد: تقریباً همه کارهای حافظ علاوه بر غزل‌ها، یعنی مثنوی‌ها و قصیده‌ها نیز در «حافظ به سعی سایه» آورده شده است. ارزیابی بنده از این کوشش این است که این تصحیح حسن ختام است. من خود چندین بار حافظ را تصحیح کرده‌ام، حرف ذوقی یا شوقی نمی‌زنم، حرفم کارشناسی است. این حافظ‌پژوه در پاسخ به اینکه شما چند سال پیش این موضوع را درباره تصحیح سایه از حافظ مطرح کرده بودید، در سال‌های بعد تصحیح‌های دیگری نیز از حافظ منتشر شد، آیا همچنان به این موضوع پایبند

دیده‌ام و امروز در ۹۵ سالگی آسوده به رحمت الهی رفتم.